



مارٹین ہیدگر، تجربے کے وجود وجود کے وجود

علی حسینی، مہناز حسین پور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مارتین هیدگر

تجربہ‌ی وجوی وجود

تالیف:

علی حسینی

مہناز حسین پور



انتشارات موجک



سرشناسه: حسینی، علی، ۱۳۵۴ شهر یور -
عنوان و نام پدیدآور: مارتین هیدگر، تجربه‌ی وجودی وجود/ تالیف علی حسینی، مهناز حسین پور.
مشخصات نشر: تهران: انتشارات موجک، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۴۸۴ ص.: مصور، جدول.
شابک: ۱-۱۹-۸۷۹۹-۶۰۰-۹۷۸، ۱۱۵۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: واژه‌نامه.
یادداشت: کتابنامه: ص. ۴۲۱-۴۳۰.
یادداشت: نمایه.
موضوع: هایدگر، مارتین، ۱۸۸۹ - ۱۹۷۶ م. -- نقد و تفسیر
موضوع: Heidegger, Martin-- Criticism and interpretation
موضوع: هستی‌شناسی
موضوع: Ontology
موضوع: فضا و زمان
موضوع: Space and time
موضوع: فلسفه آلمانی -- قرن ۲۰ م. -- تاریخ و نقد.
موضوع: Philosophy, German -- 20th century-- History and criticism
شناسه افزوده: حسین پور، مهناز، ۱۳۶۴ -
رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ / ۵ ح / ۵۲۹ / ۳۲۷۹ BP
رده بندی دیویی: ۱۹۳
شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۲۲۳۲۶



انتشارات موجک
تلگرام: ۰۹۰۱۷۶۷۲۵۰۲ کانال: telegram.me/mojak1
تلفن مرکز پخش: ۰۲۶۳۲۷۰۵۳۱۸ - ۰۲۶۳۲۷۲۱۸۱۹ - ۰۲۱۶۶۱۲۷۵۹۳ - ۰۲۱۶۶۴۲۹۷۳۳
ایمیل: mojakpublication@yahoo.com
سایت: www.mojak.ir

عنوان: مارتین هیدگر، تجربه‌ی وجودی وجود
تالیف: علی حسینی، مهناز حسین پور
طراح جلد: سیده زهرا روشنایی
مشخصات ظاهری: ۴۸۴ صفحه، قطع وزیری
چاپ اول: بهار ۱۴۰۰، تیراژ: ۵۰۰ جلد
قیمت: ۱۱۵۰۰۰۰ ریال، شابک: ۱-۱۹-۸۷۹۹-۶۰۰-۹۷۸

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای انتشارات موجک محفوظ است. هیچ شخص حقیقی و حقوقی حق چاپ و تکثیر این اثر را به هر شکل و صورت اعم از فتوکپی، چاپ کتاب و ... را ندارد. متخلفین به موجب بند ۵ ماده قانون حمایت از ناشرین تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.



فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱	پیشگفتار
۹	درآمد
۱۹	فصل اول: پدیدارشناسی هرمنوتیکی
۱۹	۱-۱ درآمد
۲۲	۲-۱ معنا و مفهوم پدیدارشناسی
۳۴	۳-۱ پدیدارشناسی اگزیستانسیالیستی
۴۷	۴-۱ پدیدارشناسی ادموند هوسرل
۶۰	۵-۱ پدیدارشناسی هیدگر
۶۹	۶-۱ پدیدارشناسی وجودی
۷۳	۷-۱ معنا و مفهوم هرمنوتیک
۷۹	۸-۱ قلمرو هرمنوتیک
۷۹	۱-۸-۱ هرمنوتیک خاص
۷۹	۲-۸-۱ هرمنوتیک عام
۸۰	۳-۸-۱ هرمنوتیک فلسفی
۸۳	۹-۱ ابعاد هرمنوتیک فلسفی
۸۳	۱-۹-۱ تقدّم فهم بر زبان و تفسیر
۸۴	۲-۹-۱ حلقوی بودن فهم

- ۳-۹-۱ هیدگر و مقولهٔ تفسیر متن ۸۵
- ۱۰-۱ روش هرمنوتیک ۸۶
- ۱۱-۱ هرمنوتیک هیدگری ۹۴
- ۱۲-۱ پدیدارشناسی هرمنوتیکی ۱۰۲

فصل دوم: وجود و زمان از منظر هیدگر و فلاسفهٔ غربی ۱۱۱

- ۱-۲ درآمد ۱۱۱
- ۲-۲ معنا و مفهوم وجود ۱۱۵
- ۳-۲ چیستی وجود ۱۲۵
- ۱-۳-۲ افلاطون ۱۳۲
- ۲-۳-۲ ارسطو ۱۳۶
- ۳-۳-۲ دکارت ۱۴۲
- ۴-۳-۲ کانت ۱۴۵
- ۵-۳-۲ استدلال ژان وال ۱۴۷
- ۶-۳-۲ هگل ۱۵۱
- ۷-۳-۲ هوسرل ۱۵۵
- ۸-۳-۲ هیدگر ۱۵۹
- ۴-۲ معنا و مفهوم زمان ۱۷۸
- ۵-۲ چیستی زمان ۱۸۴
- ۱-۵-۲ افلاطون ۱۹۲
- ۲-۵-۲ ارسطو ۱۹۳
- ۳-۵-۲ دکارت ۱۹۶
- ۴-۵-۲ کانت ۱۹۷
- ۵-۵-۲ هگل ۲۰۱
- ۶-۵-۲ هوسرل ۲۰۴

۲۱۳	فصل سوم: تجربه‌ی وجودی وجود
۲۱۳	۱-۳ درآمد
۲۱۸	۲-۳ معنا و مفهوم تجربه‌ی وجودی
۲۳۰	۳-۳ تجربه از منظر هیدگر
۲۳۵	۴-۳ چگونگی تجربه‌ی وجودی وجود
۲۵۴	۵-۳ معنای وجودشناسی بنیادین و نقد هیدگر بر سوژکتیویسم
۲۶۸	۶-۳ ذات اگزیستانس از منظر هیدگر
۲۷۷	۱-۶-۳ اگزیستانس اصیل و غیر اصیل از منظر هیدگر
۲۸۴	۲-۶-۳ اگزیستانسیال و اگزیستانسیل
۲۹۲	۳-۶-۳ تفاوت وجود و اگزیستانس
۲۹۷	۷-۳ خصوصیات انسان غیر اصیل
۲۹۷	۱-۷-۳ اوی مجهول یا ناشناخته
۲۹۹	۲-۷-۳ پرگویی
۳۰۱	۳-۷-۳ کنجکاوی
۳۰۳	۴-۷-۳ ابهام و تشکیک
۳۰۴	۵-۷-۳ از خود بیگانگی و آرامش ظاهری
۳۰۶	۸-۳ خصوصیات انسان اصیل
۳۰۶	۱-۸-۳ احساس موقعیت
۳۰۸	۲-۸-۳ فهمیدن
۳۱۱	۳-۸-۳ کلام و گفتار
۳۱۳	۴-۸-۳ زمانمندی
۳۱۸	۵-۸-۳ تاریخمندی
۳۲۱	۶-۸-۳ آزادی
۳۳۳	۷-۸-۳ ترس آگاهی
۳۳۶	۸-۸-۳ غم و نگرانی

- ۳۳۹ ۹-۳ حقیقت در اندیشه هیدگر
- ۳۴۸ ۱۰-۳ ذات حقیقت از منظر هیدگر
- ۳۵۳ ۱۱-۳ تعریف انسان یا دازاین
- ۳۶۰ ۱۲-۳ لوگوس و دازاین
- ۳۶۵ ۱۳-۳ ذات زبان

فصل چهارم: نتایج یافته‌ها ۳۷۵

فصل پنجم: توضیحی درباره‌ی اصطلاحات ۳۸۷

- ۳۸۷ ۱-۵ هیدگر
- ۳۸۸ ۲-۵ هستی (وجود)
- ۳۹۰ ۳-۵ اصالت (خودی)
- ۳۹۰ ۴-۵ دل مشغولی
- ۳۹۰ ۵-۵ واقع بودگی یا دادگی
- ۳۹۱ ۶-۵ نامستوری
- ۳۹۲ ۷-۵ اگزستانس
- ۳۹۴ ۸-۵ دازاین
- ۳۹۶ ۹-۵ لوگوس
- ۳۹۷ ۱۰-۵ استعلاء
- ۳۹۸ ۱۱-۵ حقیقت
- ۳۹۹ ۱۲-۵ جهان
- ۴۰۱ ۱۳-۵ اگزستانسیالیسم
- ۴۰۲ ۱۴-۵ اگزستانسیال و اگزستانسیل
- ۴۰۴ ۱۵-۵ اگزستانس اصیل و اگزستانس غیراصیل
- ۴۰۶ ۱۶-۵ امر انضمامی

- ۴۰۶ گذر، تجاوز، گذر کردن ۱۷-۵
- ۴۰۷ صیوروت، شدن ۱۸-۵
- ۴۰۸ فینفسه ۱۹-۵
- ۴۰۸ طرح، برنامه ریزی، هدف ۲۰-۵
- ۴۰۸ سرنوشت ۲۱-۵
- ۴۰۹ در جهان بودن ۲۲-۵
- ۴۱۱ شهود ۲۳-۵
- ۴۱۳ تجربه ۲۴-۵
- ۴۱۳ هرمنوتیک ۲۵-۵
- ۴۱۴ پدیدارشناسی ۲۶-۵
- ۴۱۶ مرگ ۲۷-۵
- ۴۱۷ قیام ظهوری ۲۸-۵
- ۴۱۸ روزمرگی (هر روزی) ۲۹-۵

کتاب نامه ۴۲۱

- ۴۲۱ منابع فارسی منابع فارسی
- ۴۲۸ منابع انگلیسی منابع انگلیسی

پیوست یک ۴۳۱

- ۴۳۱ نمایه اشخاص نمایه اشخاص
- ۴۳۶ کلمات موضوعی کلمات موضوعی

پیوست دو ۴۴۷

- ۴۴۷ واژه نامه انگلیسی-فارسی واژه نامه انگلیسی-فارسی
- ۴۶۵ واژه نامه آلمانی-فارسی واژه نامه آلمانی-فارسی

پیشگفتار

"خدایا به من شهادت بده تا آنچه را
که در گستره توانایی من است تغییر
بدهم، صبر بده تا آنچه را قادر نیستم
تغییر بدهم تحمل کنم و به من
حکمت بده تا اختلاف این دو را بشناسم"
"راینهالد نیبور"

مارتین هیدگر (۱۹۷۶-۱۸۸۹)، فیلسوف اگزیستانسیالیست معروف و متفکر بزرگ آلمانی است در ۲۶ سپتامبر ۱۸۸۹ به دنیا آمد. مهم‌ترین اثر او، کتاب وجود و زمان است. هیدگر کتاب خود را، با پرسشی شروع می‌کند و با همان پرسش، کتاب را تمام می‌کند. پرسش کلیدی هیدگر این است که: "حقیقت وجود چیست؟". که از آن می‌توان به عنوان متن اصلی و محوری اگزیستانسیالیسم یاد کرد، تماماً حول مفهوم وجود، چستی و چگونگی آن شکل گرفته است. به طور کلی دغدغه اصلی هیدگر در این کتاب پرداختن به مفهوم "وجود" است. اگر این کتاب را به دو بخش تقسیم کنیم بخش اول به بحث از وجود و بخش دوم به بیان طبیعت ذاتاً زمانمند این وجود اختصاص دارد. در واقع، هیدگر در تحلیل هر مسئله فلسفی، معمولاً ریشه‌های تاریخی آن را نیز بررسی می‌کند. از نظر او، تاریخ، بخشی از وجود و پرداختن به موجود است؛ او بیان می‌کند که اگر به سرچشمه‌های اندیشه رجوع کنیم، مردان بزرگی همچون- افلاطون، ارسطو و برخی فلاسفه پیشاسقراطی- را خواهیم دید که به بحث وجود، کاملاً التفات دارند و وجود برای آن‌ها یک راز است. البته، وی سراسر عمر خود را وقف پرسش از هستی کرد. در حقیقت جرعه آغازین اندیشه او به دوران نوجوانی اش باز می‌گردد هنگامی که به طور تصادفی با کتاب برنتانو تحت عنوان "معانی متعدد وجود نزد ارسطو" رو به رو

شد و نویسنده و ارسطو را همنوا با خود دید. برنتانو در این کتاب این پرسش را مطرح می‌کند که وجود چیست که در هر مقوله‌ای به شکل همان مقوله خود را نشان می‌دهد؟ وجود چیست که با جوهر، جوهر است و با عرض، عرض؟ مطالعه این کتاب، طلب همیشگی هایدگر برای پرسش از وجود را بنا نهاد. این پرسش، پرسش همیشگی هایدگر است که در تمام مراحل رشد اندیشه او همچنان پا برجاست. وی همچنین، در مقدمه کتاب معروف خویش *Being and Time*، به این نکته اشاره می‌کند که فلاسفه یونان قدیم، پرسش از معنای هستی را به صورت مسأله‌ای فلسفی مورد توجه قرار می‌دادند و در پی درک حقیقت هستی بر می‌آمدند؛ اما از زمان ارسطو تا به حال، فلسفه این پرسش اصلی را مغفول نهاده و به جای تلاش برای درک هستی به فهم هست‌ها رو آورده است. از نظر او هستی موجودات، خود وجودی از وجودات و در عرض سایر موجودات نیست، بلکه هر جا چیزی هست، هستی هست. ما مستقلاً نمی‌توانیم با هستی مواجه شویم و آن را بشناسیم، بلکه از آنجا که هستی، خصیصه‌ی دیگر وجودات امکانی است، باید از طریق استنتاج، هستی را آشکار و فاش نمود. در واقع هایدگر، کتاب *هستی و زمان* را با عبارت حیرت‌انگیزی از افلاطون آغاز می‌کند. آن‌چه پیداست آن است که هر چند باشد از دیر باز شما هرگاه لفظ هستنده را به کار می‌بردید با آن‌چه از این لفظ مراد می‌کنید آشنا بوده‌اید. ولی ما که می‌پنداشتیم که این لفظ را می‌فهمیم اکنون گیج شده‌ایم.

هایدگر در نظریه وجودشناختی خویش ضمن انتقاد از تئوری کثرت وجود ارسطو، اندیشه‌اش را به سمت افلاطون ارجاع می‌دهد و مانند او فهم وجود را درگرو اندیشیدن به عدم می‌داند. در واقع پژوهش درباره‌ی عدم را اصلی‌ترین وظیفه "متافیزیک" تلقی می‌کند. لیکن عدم در اندیشه هایدگر هم سنگ دیدگاه هگل نسبت به عدم می‌باشد؛ که می‌گوید "وجود محض و عدم محض در واقع یکی هستند". در اندیشه هایدگر عدم خودش موجود یا شیئی در کنار سایر موجودات یا اشیاء تلقی نمی‌شود، بلکه بسان یک وجود یعنی به سان "چیزی که موجودات را به منزله موجود تعیین می‌بخشد و بر مبنای آن موجودات پیشاپیش فهم می‌شوند".

بدین ترتیب، فیلسوفان پس از افلاطون، پیش داوری‌های خاصی از هستی داشتند و آن را عام‌ترین مفهوم و غیرقابل تعریف و بدیهی می‌شمردند و بر اساس این سه خصلت، دیگر به هستی به منزله مسأله‌ای فلسفی نمی‌نگریستند. البته، هایدگر بر آن است که غیرقابل تعریف بودن و عمومیت این

مفهوم، مانع از آن نیست که ما در جستجوی درک حقیقت آن بر آییم. بلکه، وی هدف فلسفه راستین و حقیقی را پاسخ به پرسش از معنای هستی می‌داند. در نظر وی، فلسفه باید راهی به سوی قاعده‌مند کردن این پرسش و جستجوی معنای هستی بیابد.

در حالیکه هدف اصلی تأمل فلسفی هیدگر، شناخت حقیقت هستی است. یعنی هدفی هستی‌شناسانه دارد. وی برخلاف عالمان هرمنوتیک پیش از خود، به دنبال متدولوژی و ارائه روش نوی برای درک و یا تنقیح و پالایش شیوه‌های موجودی برای فهم متن یا علوم انسانی نیست. او هرمنوتیک را از سطح معرفت‌شناسی و روش‌شناسی به سطح فلسفه ارتقاء می‌دهد و آن را نوعی پدیدارشناسی و فلسفه می‌داند.

هدف اصلی هیدگر از تحلیل انسان کشف معنای وجود است. دغدغه اصلی او این است که به معنای و مفهوم اصلی وجودی که در طول تاریخ فلسفه یعنی از افلاطون تا نیچه با وجود آمیخته شده، دست یابد، اما هر زمانی که ما از وجود سخن گفته‌ایم به موجودات اشاره کرده‌ایم و این امر ما را از رسیدن به حقیقت وجود باز داشته است هیدگر از این امر نتیجه می‌گیرد که کشف حقیقت وجود به این صورت امکان‌پذیر نیست. یعنی نمی‌تواند متعلق تفکر ما قرار بگیرد زیرا هر شیء و در هر وجود داشتنی، وجود مدخلیت دارد. انسان به این صورت از دستیابی به حقیقت وجود عاجز است اما یک برتری و امتیاز برای رسیدن به وجود دارد که می‌تواند او را در رسیدن به آن کمک کند و آن تفکر و اندیشیدن به وجود، وجود موجودات و اشیایی است که هر کدام به نحوی اشاره به وجود دارند و از او سخن می‌گویند.

هیدگر معتقد است که در طول ۲۵۰۰ سال گذشته و از عصر افلاطون بدین سو، مسئله‌ی هیدگر را می‌توان نوعی اگزیستانسیالیست دانست زیرا او از زبانی بهره می‌گیرد که حکایت‌گر این امر است که داز این اصیل فردی خواهد بود که خویشتن را از "آنها" جدا ساخته و هویت اصلی را برای خود شکل می‌دهد. وی، تأکید دارد که قصد وی توصیف اوصاف یا ویژگی‌هایی از یک انسان نیست، بلکه او درصدد بیان ساختارهای بنیادی نحوه هستی خاص آدمی "اگزیستانس" است (Heidegger, 1926p.2). شاید بتوان گفت با گذشت نزدیک به ۲۵۰۰ سال از تاریخ این مباحث، هنوز در این باره کام هیچ فیلسوفی بر نیامده است. این وصف فیلسوفانی همچنان در تلاش بوده‌اند تا شاید از این راز پرده برگیرند. افلاطون از مهمترین فلاسفه و پیشتاز آنان است که در این مسیر

کوشش‌های فراوان نموده است. البته طرح مسئله وجود به پیش از افلاطون می‌رسد. به این صورت، ویژگی عمده‌ی دازاین، فهم پیشینی او از وجود است که نحوه‌ی خاص وجود او یعنی اگزیزتانس یا چنان که هایدگر بعدها اشاره می‌کند. "برون-ایستی"^۱ بر بنیاد آن ممکن می‌شود. اما فهم وجود از یکدیگر به ویژگی‌های انسان وابسته است. چون تنها انسان موجودی است که می‌تواند از موجودات فراتر رود و به درک وجود نائل آید.

پس دازاین موجودی است "روشنایی یافته"^۲ و بهره‌مند از اشراق؛ بدان معنا که به مثابه‌ی موجودی که از در جهان-بودن برخوردار است، درکی پیشینی از وجود دارد و از اینرو پیشاپیش به ساحت جهان گشوده است. در واقع او خود، روشننگاه است. به تعبیر دیگر او برخوردار از "نورداتی"^۳ است و ذات و گوهر او همین "گشودگی" است.

به هر تقدیر از مطالعه‌ی این پژوهش می‌توان به این نگرش دست یافت که فرد با قدرت آزادی و اختیاری که برخلاف سایر موجودات دیگر از آن بهره‌مند است، می‌تواند دست به معنادهی و خلق آثار و تصمیمی تازه بزند، چون موجودی فرو بسته در خود نیست، و از وضعیتی که در آن به سر می‌برد می‌تواند فراتر رود. استعلا یابد، از خود گذر کند. یکی از ارکان هستی خاص انسانی همین "تعالی و گذر" می‌باشد که از ذات گشوده‌ی دازاین نشأت می‌گیرد. در حالت روزمرگی و عدم اصالت، پرگویی و دخالت در هر زمینه و امری به نیروی او می‌جهول یا "می‌گویندها" بال و پر می‌یابند. معنی زمان روزمرگی وجود-آنجایی ظهور مستمر همین احوال است. علاوه بر این می‌تواند به طور مداوم ساختار شکنی کند و از آنچه هست و به سوی آنچه نیست، برود. به همین سبب، می‌گویند بشر هیچ نیست. و به این ترتیب خود را از اشیاء و موجوداتی که ثابت و بدون تحول هستند، متمایز سازد و به مقام اصیل خود که گشودگی در کنار وجود است، دست یابد.

نوشتار حاضر پژوهشی است درباره‌ی تجربه‌ی وجودی وجود از منظر مارتین هایدگر مشتمل بر یک مقدمه و پنج فصل و دو پیوست. در مقدمه به پیش‌زمینه‌های تاریخی بحث مربوط به وجودشناسی و علل فراموشی وجود، از نظر هایدگر و فلاسفه غربی (سقراط و افلاطون و ارسطو...) اشاره شده است.

^۱ Ek-sistenz

^۲ Erleuchtet

^۳ Lumen naturale

در فصل اول پدیدارشناسی هرمنوتیکی را مورد بررسی و مذاقه قرار داده‌ایم. در این فصل اول معنا و مفهوم پدیدارشناسی و همچنین هرمنوتیک بیان شده است. در همین فصل خواهیم دید تحلیل‌های فیلسوفان پدیدارشناسی اگزیستانسیالیستی را از پدیدارشناسی، از جمله هیدگر و مرلوپونتی و ژان پل سارتر و غیره، بدین صورت، در این فصل پدیدارشناسی وجودی، پدیدارشناسی از منظر هیدگر و هوسرل هم مطرح شده، و بلاخره، علاوه بر این مسائل عنوان شده در این بخش، روش هرمنوتیک، هرمنوتیک هیدگری و پدیدارشناسی هرمنوتیکی را به اجمال بیان کرده‌ایم.

موضوع فصل دوم این پژوهش شرح اجمالی دیدگاه‌های هیدگر و شس تا از فیلسوفان غربی درباره‌ی معنا و مفهوم و چرایی و چیستی وجود و زمان است. این فصل خود شامل دو بخش است: در بخش نخست اول معنا و مفهوم وجود و همچنین چیستی وجود را از منظر هیدگر و فیلسوفان غربی بررسی شده است. یعنی، در این بخش نظر هیدگر را درباره‌ی وجود، و این که چرا وجود مورد غفلت و فراموشی قرار گرفته، که منظور اصلی هیدگر در کتاب معروفش وجود و زمان هم همین مسئله بوده است. البته، هدف اصلی ما در این بخش پژوهش فراهم آوردن سؤال ملموس و انضمامی از هستی-شناسی است. بدین جهت هیدگر از وجود و هستی‌شناسی انتزاعی صرف نظر می‌کند و معتقد است، علل فراموشی هستی، سه پیش‌داوری است، ۱- مفهوم کلی وجود ۲- تعریف ناپذیری وجود ۳- بدهت وجود است، که در حجاب افتاده است. محور مباحث قسمت اول این فصل است.

در واقع بخش دوم این فصل هم مانند بخش نخست است. یعنی ابتدا به تفسیر و توضیح معنا و مفهوم و چیستی زمان پرداخته‌ایم. از آنجا که تمرکز این پژوهش مرحله نخست تأملات هیدگر و فیلسوفان غربی درباره‌ی وجود است و در بخش دوم نیز سعی کرده‌ایم. شرح تفصیلی تحلیل‌های هیدگر از زمان را به دست بیاوریم. در این فصل در نهایت اختصار و به صورت فهرست‌وار زمان را از نظر فلاسفه غربی و مهمتر از همه به شرح تفصیل هیدگر از زمان پرداخته‌ایم.

در فصل سوم به تحلیل و تبیین تجربه‌ی وجودی و همچنین چگونگی تجربه‌ی وجودی در نظام فلسفی هیدگر پرداخته و نشان دادیم نقاط اشتراک و اختلاف ایشان را با فیلسوفان پیش سقراطی. در این فصل، ضمن عرضه‌ی کامل گزارش هیدگر نکات مبهم را روشن ساخته‌ایم و با به دست دادن تعریفی از فلسفه هیدگر، که نوعی تغییر نگاه است، به این معنا که نوع نگاه مفهومی و ماهوی فلاسفه قبلی کنار گذاشته شده و نوع نگاه وجودی و حضوری جای آن را می‌گیرد.

بدین صورت، هیدگر بحث از وجودشناسی را ضمن بررسی احوال کسی که از وجود سؤال می‌کند، یعنی انسان آغاز می‌کند، و نشان می‌دهد که انسان تنها موجودی است که از مسأله وجود پرسش می‌کند. در واقع، هیدگر در اثر معروفش به نام وجود و زمان، هدفش این است که نشان دهد. زمان و وجود همواره بر مفهوم حضور^۱ تأکید می‌کند او مدعی است که از آغاز تفکر غربی تا امروز، وجود همواره به معنی حضور داشتن^۲ بوده است. اساساً حضور داشتن حاکی از امر حاضر است. بدین معنی که وجود به وسیله زمان و زمان به وسیله وجود تعین می‌یابد. به عقیده او وجود و زمان به طور متقابل سبب تعین یکدیگرند، لکن به نحوی که هیچ کدام از این دو نمی‌توانند جای آن دیگری را بگیرند. بدین معنی که نه می‌توان گفت که وجود از سنخ زمان و مقید به زمان^۳ است و نه اینکه زمان از سنخ وجود یا امر وجودی است. بدین ترتیب هستی و زمان عهده‌دار طرح مسئله‌ی هستی از طریق تحلیل دازاین بر حسب حیث زمانی بود. یا به تعبیر آشناتر، درک رابطه‌ی هستی با زمان به وسیله‌ی تحقیق در نحوه‌ی اتحاد آن‌ها در آدمی به عنوان هستنده‌ای تاریخی. هیدگر از طریق تحلیل حیث زمانی و تاریخی انسان، امیدوار بود نشان دهد که زمان افق وجود است، یعنی زمان، افق ممکن هر ادراکی از وجود است. برای رفتن به سوی هستی، باید خود را در نظرگاهی قرار داد که نظرگاه زمان است. و یک امر استعلایی است. زمان لازمه فهم وجود است، و حتی فراتر از این، به تعبیر گادامر، غرض از طرح هیدگر در هستی و زمان اثبات این نکته بود که وجود، خود زمان است. در حقیقت، هیدگر برداشت جهانی ارسطویی، یعنی زمان طبیعی را رد کرد و مخالف نظریه‌ای بود که زمان را به دگرگونی‌های طبیعی و جسمانی نسبت می‌دهد. همچنین، زمان را در معنای الهی و یزدان‌شناسانه‌ی قرون وسطایی نیز نپذیرفت. او با زمان ذهنی دکارتی نیز مخالفت کرد و اظهار داشت که چنین برداشتی زمان را به اُبژه‌ای قابل بررسی و شناخت فرو می‌کاهد. برای فهم بهتر معنای استعلایی بودن زمان نزد هیدگر، باید دیدگاه کانت در مورد زمان و مکان را مرور کرد، و به همین دلیل با برداشت کانتی از زمان و مکان هم که در بنیان خود استوار به دکارت باوری بود، مخالفت کرد. بنابراین، هیدگر به دنبال تعریف زمان نبود بلکه، روش هیدگر برای فهم معنای زمان، همان روش هرمنوتیکی یا حرکت از اجمال به تفصیل است.

¹ Presence

² Presencing

³ Temporal

سعی ما در این پژوهش ناظر به این امر خواهد بود که متدرجاً، معنا مفهوم تجربه‌ی شهودی و حضوری و وجودی را، از مفاهیم غیرخالص، آگزیستانس، جهان، زبان، حقیقت، خصوصیات اصیل و غیراصیل وجود- آنجایی استنباط نماییم. بنابراین، ما آنچه را که باید در مشرب هیدگر از وجود بفهمیم. خواهیم دانست. ما متوجه خواهیم شد که چرا این وجود بالضرورة باید متناهی باشد.

پس از آن، در فصل چهارم، به توضیح مفهوم شناسی واژگان کلیدی در متن پرداخته‌ایم تا نشان دهیم که وجود از نظر هیدگر، "از هیچ" پدید نیامده است.

در نهایت، فصل پنجم به نتایج یافته‌های پژوهش یعنی، نتیجه‌گیری از مهمترین نکات مطرح شده در فصول پیشین در نظر گرفته شده است.

یادداشتی درباره‌ی منابع

منابعی که برای این پژوهش مورد استفاده قرار داده‌ایم، در دو بخش جای می‌گیرند: منابع دست اول و منابع دست دوم. منابع دست اول ما در این رساله، آثار خود هیدگر در حوزه هستی‌شناسی است. هیدگر دارای آثار متعددی از جمله وجود و زمان، جهان در اندیشه هیدگر، فلسفه هیدگر، متافیزیک و غیره، از میان این آثار، وجود و زمان از شهرت و اعتبار بیشتری برخوردار است و مرجع اصلی مارتین هیدگر از میان آثار متعددش، وجود و زمان شناخته شده است.

از کتاب هستی و زمان هیدگر به زبان انگلیسی دو برگردان صورت گرفته است: ترجمه‌ی جان مک کواری و ادوارد رابینسن در سال ۱۹۶۲ و ترجمه‌ی جون استمبون در سال ۱۹۹۶. در این پژوهش منبع نقل قول‌ها ترجمه‌ی قدیمی‌تر بوده است که در بیشتر تفسیرهایی که از هیدگر صورت گرفته، روال کار همین بوده است و هر چند به نظر می‌رسد ترجمه‌ی خانم استمبون در میان قشر دانشگاهی مورد توجه قرار گرفته است. از این اثر در زبان فارسی هم دو برگردان داریم: یکی ترجمه‌ی دکتر محمود نوالی از زبان فرانسوی و دیگری ترجمه‌ی دکتر سیاوش جمادی از زبان آلمانی، من ابتدا برای ارجاع به این کتاب از این روش استفاده می‌کردم: ابتدا دو ترجمه‌ی فارسی را به دقت می‌خواندم، که البته در این پژوهش بیشتر ترجمه‌ی دکتر محمود نوالی به خاطر سلیس و روان بودن‌اش مورد استفاده قرار گرفته است، و سپس به متن انگلیسی، البته نه به صورت کاملاً جز به جز، ولی تا حدودی که می‌توانستم، بعد از خواندن متن فارسی وجود و زمان با متن انگلیسی تطبیق می‌دادم.

منابع دست دوم ما در این کتاب ناظر به نوشته‌ها و آثاری است که در شرح آرای این فیلسوف بر جسته آلمانی به رشته‌ی تحریر در آمده است:

در این زمینه، می‌توان به کتاب فلسفه هیدگر نوشته موریس کوروز اشاره کرد، که وی در این آثار، به بررسی مسأله هستی از جنبه‌های مختلف. یعنی صرف هستی و زمان و مکان دازاین مورد بحث قرار گرفته است. و همچنین در این پژوهش از دیگر کتاب‌های هیدگر علاوه بر کتاب وجود و زمان عنوان منبع اصلی که ترجمه‌ی فرانسوی آن می‌باشد از ترجمه آلمانی به فارسی با عنوان هستی و زمان و آلمانی به انگلیسی، بیشتر در بخش دوم که به تاریخمندی و زمانمندی اشاره دارد، استفاده شده است. از کتاب مابعدالطبیعه نوشته ژان وال، که وی در این کتاب به بررسی هستی پرداخته، و پدیدارشناسی و فلسفه هست بودن نوشته روژه ورنو-ژان وال، که به قلم آقای یحیی مهدوی به فارسی برگردانده شده است. و همچنین پدیدارشناسی هیدگر نوشته آندره داریک، که توسط آقای محمود والی به فارسی برگردانده شده است، مورد استفاده قرار گرفته است.

در تمام گزارش، ضمن تکیه بر نص صریح، به تفسیر و رمزگشایی و همچنین طرح پرسش‌های مکرر به منظور دستیابی به وجودشناسی بنیادین فلسفی همخوان پرداخته‌ایم. به هر تقدیر، انتظار می‌رود تحلیلی مستند، دقیق و واضح از مسائل مطرح شده به عمل آید و از هرگونه کلی‌گویی و ابهام و در حد امکان خودداری کنیم. تا تصویری روشن و شفاف از آراء و نظریات مارتین هیدگر درباره‌ی تجربه‌ی وجودی وجود ارائه دهیم.

البته، تلاش در این کتاب بر این است که تجربه‌ی وجودی وجود را از موازات وجود دازاین در فلسفه هیدگر مورد بررسی و مذاقه قرار داده که لازمه‌ی چنین کاری این است که دانسته شود تجربه‌ی وجودی وجود در نظام فلسفی هیدگر به چه معنا و مفهوم است.

مارتین هیدگرا، فیلسوف اگزیستانسیالیست معروف و متفکر بزرگ آلمانی است در ۲۶ سپتامبر ۱۸۸۹ به دنیا آمد. مهم‌ترین اثر او، کتاب وجود و زمان است. هیدگر کتاب خود را، با پرسشی شروع می‌کند و با همان پرسش، کتاب را تمام می‌کند. پرسش کلیدی هیدگر این است که: "حقیقت وجود چیست؟". که از آن می‌توان به عنوان متن اصلی و محوری اگزیستانسیالیسم یاد کرد، تماماً حول مفهوم وجود، چیستی و چگونگی آن شکل گرفته است. به طور کلی دغدغه اصلی هیدگر در این کتاب پرداختن به مفهوم "وجود" است. اگر این کتاب را به دو بخش تقسیم کنیم بخش اول به بحث از وجود و بخش دوم به بیان طبیعت ذاتاً زمانمند این وجود اختصاص دارد.

ISBN:978-600-8799-19-1



انتشارات موجک